

متن پرسش

سلام و درود: به مناسبت پاسداشت روز معلم تنها تلاشی که می‌توانستم بکنم همین خلاصه‌مطلبی بود که در قالب کلمه‌هایی در صفحه‌ی مجازی خودم همراه با عکس شما و نامه دکتر داوری انتشار دادم. امید که مطلوب حضرت حق سبحانه و تعالی افتد. «آفتاب کم کم در حال طلوع کردن بود و همچنان داشت با حرارتی که از یک جوان بیست ساله‌ی ورزیده انتظار می‌رود در سرازیری تپه‌های نزدیک مسجدشان بدون اینکه ذره‌ای خستگی را در چهره‌اش حس کنی بعد از یکساعت نرمش و ورزش؛ برایمان از انقلاب اسلامی و ساحت تفکر می‌گفت و لب کلامشان این بود که تا وارد عالم انقلاب اسلامی نشویم هشتمان گرو نه‌مان است و من که هن‌هن کنان خودم را دنبالش می‌کشیدم سر بحث را بردم سمت دکتر داوری و ذکری هم از نامه‌ی ایشان آوردم و نظرشان را غیرمستقیم جویا شدم؛ که بهم فهماند که آن نامه تنها جای جذابش این است که دکتر داوری خوب فهمیده که جایگاه من جایگاه یک معلم و درس دینی است و خدا رو شکر که جز معلمی در زندگی کاری نداشته‌ام که معلمی شغل انبیاست... و من که این روزهای سرد و تاریک فلک‌زدگی کرونا با طلوع صبح از پشت پنجره‌های اتاق خوابگاه بالینی یاد حس و حال طلوع آن صبح کزایی افتادم عجیب دلم تنگ شده برای دیدن کسی که شاید این روزها دیگر با حرص و ولع پنج سال پیش کتاب‌هایش را نخوانم و پیگیر جلسات نباشم اما هرچه دارم مدیون معلمی ایشان است که اگر سر سفره‌ی تفسیر المیزان یا کتاب‌های امام راحل (ره) نشسته‌ایم و از دریای بی‌کرانشان سیر نمی‌شویم؛ چیزی جز کمک‌هایشان نبوده که همچون طفلی دست‌گرفت و تاتی تاتی راه برد و جویده جویده لقمه‌های معرفت‌النفس و براهین صدرا را در دهانمان نهاد تا سلوک ذیل شخصیت حضرت روح الله را عالمان کند و امروز اگر وصیت‌نامه‌ی سردار شهید را به مثابه‌ی میثاق‌نامه‌ی یک مکتب می‌خوانیم و یقین داریم که فراتر از احساسات شعاری این کلمات ریشه در حقیقت عالم دارد همه را از استاد داریم. با اختلاف بسیار زیاد از هر کسی که در زندگی به من چیزی آموخته؛ اما تبریک این روز را تقدیم می‌کنم به بزرگ‌معلم این روزهای انقلاب اسلامی. درود و رحمت خدا بر استاد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده قابل این حرف‌ها نیستم. ولی اگر توانسته باشم عزیزان را به آن‌جایی برسانم که متوجه‌ی چنین جمله‌ای بشوند، خدا را بسیار شکر خواهم گفت. آن‌جایی که فرموده‌اید: «وصیت‌نامه‌ی سردار شهید را به مثابه‌ی میثاق‌نامه‌ی یک مکتب می‌خوانیم و یقین داریم که فراتر از

احساسات شعاری این کلمات ریشه در حقیقت عالم دارد؛ حقیقتاً همین‌طور است. خدا می‌داند تنها و تنها حقیقت این دوران، همان نکته‌ای است که آن شهید به آن رسیده است و اگر تمام شهدای کربلا در قیامت غبته‌ی مقام حضرت ابالفضل «علیه‌السلام» را می‌خورند، فکر می‌کنم در این تاریخ همه‌ی عرفا و شهداء غبته‌ی بصیرت آن شهید بزرگوار را خواهند خورد، از آن جهت که مطلوبِ برتر آن‌ها آن نگاه می‌باشد و نه آن که نسبت به آن بیگانه باشند. موفق باشید